

دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ - ۲۴ جمادی‌الاولی ۱۴۴۴ - ۱۹ دسامبر ۲۰۲۲ - سل بیست‌ویکم - شماره ۵۸۸۵

بازخوانی صحبت‌های کارگردان دون کیشوت

کارگردانی که دلش تماشاگر فوتبالی می‌خواست



هم نزدیک می‌کند.

دو مقوله فوتبالی برای دشتی کارکرد داشت؛ یکی تکنیک و امکانی که خود فوتبال به اجرای تئاتر می‌تواند بدهد و یکی هوالتی آن که شامل تماشاگر، شکل تمرین، داور بازی، رقابت و دعوای‌های روی زمین همه و همه هست. او معتقد بود که این دو درس‌های خوبی برای تئاتر هستند. در نمایش «دن کیشوت» برای نخستین بار در یک صحنه و در یک تئاتر، دو بازیگر یک نقش را ایفا می‌کردند چراکه از نظر دشتی، مشترکاتی بین مجلس شبیه‌خوانی و مجلس فوتبال وجود دارد. در فوتبال تعدادی شرکت‌کننده مهیج حضور دارند، در شبیه‌خوانی هم همین طور . در فوتبال مهارت‌ها و توانایی‌های بازیکن مورد استفاده قرار می‌گیرد، در شبیه‌خوانی نیز همین طور. در فوتبال و شبیه‌خوانی بازیکن‌ها و شبیه‌شوخان توانایی اجرای مخالف‌خوانی را دارند و موافق‌خوانی را و نقش بزرگ و کوچک وجود ندارد.

به عنوان دو امکانی نام برده بود که در تئاتر غایب هستند. به این معنا که بازیکن فوتبال ناچار است همواره تمرین کند و خود را برای ورود به زمین بازی آماده نگه دارد. بازیگر تئاتر هم باید این مورد را رعایت کند ولی معمولاً این نکته را فراموش می‌کند. او یادش رفته که باید برای هر شب اجرا و در تمرین زحمت بکشد.

از دیدگاه دشتی، تیم حریف بازیگر تئاتر، تماشاگر است و بازیگران با یک تیم تازه مواجه‌اند که باید سعی کنند با مهارت و انرژی او را خلع سلاح کنند و آن‌ها باید بدانند که هر بازی الزامات خاص خودش را دارد.

نکته دیگری که توجه این کارگردان را جلب کرده بود، ارزش زمان در فوتبال است، موضوعی که باید وارد تئاتر هم بشود.

دشتی از ضرورت حرکت تیمی و پرهیز از تک‌روی به عنوان دیگر آموزه فوتبالی برای تئاتر نام برده بود که توجه به آن، این ذهنیت را در ما می‌شکند که بازیگر خوب باید در تمام لحظات بازی کند.

او باور داشت در آن مقطع مخاطب تئاتر، قشری می‌تواند در حسین تمرین و بازی به بازیگرانش در هر جا که خطا کردند، تذکر دهد و در هر جایی که تشخیص بدهد جای بازیگران یک نقش را باهم عوض می‌کند.

به همین خاطر هم در طول تمرین این نمایش همه بازیگران برای همه نقش‌ها تست زدند و نقش خاصی برای هیچ بازیگری در نظر گرفته نشد. در فوتبال نیز مانند اجرای ما هر کسی بر اساس توانایی بدنی خود به روی صحنه می‌آید .

دشتی یکی دیگر از نقاط مشترک اجرای خود را با بازی فوتبال و شبیه‌خوانی در تماشاگر بودن بازیگران دانسته بود. بازیگران نمایش او لحظه‌ای به صحنه می‌آمدند و لحظه‌ای که بر روی صحنه نبودند، مانند یک بازیکن فوتبال یا یک شبیه‌شوخان در خارج از صحنه به دیدن اجرا می‌پردازند.

۸۴ در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر اجرا شد.

نقد «صمد بهرنگی» و «محمود کیانوش» به «یمینی شریف» و جواب او

که اثر عباس یمینی شریف خیلی از مرحله پرت است. این «جزوه ناظم» هیچ پیمای برای به‌جا ندارد، جز مقداری سرگرمی از راه لفاظی و پرحرفی و مشت‌ی احکام کلی اخلاقی و احياناً متحجر. مثلاً جابه‌جا فتوا صادر می‌کند که آدم باید مهربان باشد. من می‌پرسم آیا باید نسبت به کدام دسته از مرمان مهربان باشیم؟ آیا می‌توان نسبت به آن مردم هم مهربان بود که به دستورش بمب بر سر مردم آزادی‌خواه ریخته می‌شود؟ یا می‌شود به جلادان هیتلری که کارشان شکنجه آزادی‌خواهان بود، مهربانی کرد؟ چند بار جابه‌جا حکم صادر می‌کند که مردم آزاری کار بدی است، من می‌پرسم: آیا حتی نباید کسانی را که کارشان اصلاً مردم‌آزاری است و ناتلسان از زراه ریختن خون دیگران به دست می‌آید، آزار کرد؟ یعنی باید مثل گوسفند سرت را پایین بیندازی و جای گوسفندان از پیش رفته را بو کنی و خار بخوری و شیر بدهی و دیگر هیچ؟ ادبیات کودکان نباید فقط مبلغ محبت و نوع‌دوستی و قناعت و تواضع از نوع اخلاق و مسیحیت باشد. به هر آنچه و به هر که ضد بشری و غیرانسانی و سد راه تکامل تاریخی جامعه است، باید کینه ورزید و این کینه باید در ادبیات کودکان راه باز کند. این‌همه بچه که صبح تا شام در کوره تجربه‌های تلخ زندگی می‌زند و جزغاله می‌شوند، به نظر آقای یمینی بچه‌های بدی هستند، اما آن چند بچه‌ای که هنرشان داد نزنن و فحش ندادن و تمیز بودن و با قاشق و چنگال غذا خوردن و اطاعت از پدر و مادر است، بچه‌های خوب و نمونه‌اند.»

صمد بهرنگی، به درستی در برابر «اطاعت کور کوانه از پدر و مادر» و «تبلیغ اطاعت کور کورانه» موضع گرفته است اما با توجه به حساسیتی که بهرنگی به عنوان آموزگار و همکار یمینی شریف نسبت به این مسأله نشان می‌دهد، جای تعجب است. انتقاد صمد بهرنگی نسبت به پیام اشعار و سطح فکری یمینی شریف، با وجود کتاب «ها و بچه‌های ما»، و پیشقراولی او در استقلال ادبیات نوشته‌اش است: «ایمینی شریف! او همچنین نوشته‌اش است: «ایمینی شریف! باور نکرد که شاعر نیست و آنچه که می‌سازد نف شعر است، نه حتی وسیله‌ای برای سرگرمی کودکان؛ چنان‌که انتظارشان را از شعر گمراه نکند.

باز باور نکرد که قبول او نشانه خالی بودن میدان بود، نه پهلوانی او. این، لحن، پا را از بی‌مهری به یمینی شریف، فراتر نهاده و کودکان سستین پایه است و انتظارات صمد



در ادبیات کودکان شدداو در شعری گفته بود «من نغمه‌سرای کودک‌انم/ شادست ز مهرشان روانم/عباس یمینی شریف/م گریزد کودک‌ان نشانم». خود را نغمه‌سرای کودکان معرفی کرده و پیش‌بینی می‌کند نشانش را از کودکان می‌توان گرفت یا یافت، پیش‌بینی‌ای که درست بود و کودکان به واسطه کتاب درسی یا شعر معروفش «من یار مهربانم» او را می‌شناسد، اگر چه ممکن است او را با نامش به یاد نیاورند اما شعرهایش به حافظه جمعی‌مان وارد شده و اگر در جایی آن را بشنویم، با آن همخوانی می‌کنیم و پرت می‌شویم به دوران مدرسه؛ مانند شعری که برای ایران سروده «ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم/ ما سسرزمین خود را مانند جان می‌دانیم/ ما باید دانا باشیم، هوشیار و بینا باشیم/ از بهر حفظ ایران، باید توانا باشیم/ آباد باشی ای ایران، آزاد باشی ای ایران/ از ما فرزندان خود، دل‌شاد باش ای ایران.»

هومن ظریف، روزنامه‌نگار و مستندساز، در بخشی از کتاب «عباس یمینی آنچه بود، آنچه هست» که در سالل ۹۶ منتشر شده و به تازگی به چاپ دوم رسیده است، نقد‌های صمد بهرنگی و محمود کیانوش را بر شعرهای یمینی شریف و پاسخ او را آورده است که به پنهان‌سالروز درگذشت یمینی شریف آن را به اشتراک می‌گذاریم: «در اردیبهشت ۱۳۴۷ مقاله‌ای از صمد بهرنگی در مجله نگین چاپ شد که از نظر تاریخی نخستین نقد شعر کودک در ایران و نخستین توجه نظری جدی به این مقوله به شمار می‌آید.

شعرهای یمینی شریف برای بچه‌ها هیچ پیمای ندارد

صمد بهرنگی نوشته بود: «می‌توان گفت

عباس یمینی شریف را شاعری می‌دانند که برداشت سنتی از شعر کودک داشته و بیشتر شعرهایش جنبه آموزشی و درونمایه‌ای تربیتی دارد. صمد بهرنگی و محمود کیانوش نسبت به یمینی شریف و شعرهایش نقد دارند و آن‌ها را «شعر کودک» نمی‌دانند. به گزارش ایسنا، عباس یمینی شریف بعد از سال‌ها نغمه‌سرای‌ برای کودکان و فعالیت برای آن‌ها، در ۲۸ آذر ۱۳۶۸ در ۷۰ سالگی از دنیا رفت. این شاعر اول خرداد سال ۱۳۹۸ شمسی در محله پامنار تهران به دنیا آمد و دانش‌آموخته مدرسه دارالفنون بود و در سال ۱۳۱۷ در دانشسرای مقدماتی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۱ اولین شعرش برای کودکان در مجله «نونپالان» منتشر شد. در سال ۱۳۳۲ با ابراهیم بنی‌احمد مجله بازی کودکان را منتشر کرد. در سال ۱۳۴۲ نیز شعرهای او در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایران وارد شد.

در سال ۱۳۳۲ یمینی‌شریف با بورس دولتی به آمریکا اعزام شد و یک سال در دانشگاه کلمبیا به تحصیل دوره تخصصی در آموزش کودکان پرداخت و درجه فوق لیسانس دریافت کرد. در سال ۱۳۴۴ دبستان «روش نو» را با همسرش توران مقومی پایه‌گذاریشت که بعدها با گسترش فعالیت، به مجموعه آموزشی از کودکان تا پایان دوره راهنمایی تبدیل شد. در دی‌ماه سال ۱۳۳۵ به پیشنهاد جعفر بدیعی اولین شماره مجله کیهان بچه‌ها از طرف مؤسسه کیهان انتشار یافت و آن‌ها تا سال ۱۳۵۸ با مؤسسه کیهان همکاری داشتند. کتاب یمینی شریف از بنیان‌گذاران شورای اتحاد کودک نیز بود. بیش از ۳۰ اثر شعر و داستان او در دوران حیاتش به انتشار رسید و برنده جوایز متعدد

به گزارش خبرنگار ایلنا، مصیب‌امیری (رئیس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری) از خروج بیشتر هیات‌های خارجی باستان‌شناسان از ایران خبر داد و گفت: تنها در تل آجری و شهر سوخته با باستان‌شناسان ایتالیایی همکاری داریم. بیشتر هیات‌های باستان‌شناس خارجی از ایران رفتند؛ کاوش در شهر سوخته، جیرفت، تخت جمشید، پاسارگاد و بیشاپور ادامه دارد/ امکان کاوش محوطه‌های باستانی برای مردم عادی

به گزارش خبرنگار ایلنا، مصیب‌امیری (رئیس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری) با تشریح برنامه‌هایی که قرار است در راستای افضای نگاهنامه با سازمان منطقه آزاد کیش در حوزه میراث فرهنگی انجام شود، گفت: انجام مطالعات باستان‌شناسی و داشتن همکارهای مشترک بین دو نهاد در محوطه تاریخی مشعر حریره یکی از اهداف امضای این تفاهنامه است. نباید فراموش

بهرنگی از اشعار او، انتظارات بجای ادبیات نوجوان است. یمینی شریف در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۵۲ دغدغه‌های خود را از روند بازدارنده‌های ادبیات کودکان این‌گونه بیان کرده است: «کنون باید به نفع کشور و فرزندان کشور و سود توسعه و ترقی این رشته از ادبیات، فعالیت‌های شایسته‌ای انجام گیرد. ادبیات کودکان را در خط خود بیندازند و سدگی و صراحت و سلامت روانی را رد این آثار حفظ کنند و ادبیات کودکان را مانند خود کودک‌ان پاک و ساده و بی‌الایش نگاه دارند. ادبیات کودکان را گودال تخلیه عقده‌های وجود نکنند و آن چه را که از ناراحتی و غم و یأس و بدبختی و نفرت دارند، در قالب کلمات مبهم و جملات پیچیده که بیش‌تر به لغز و معما شبیه است تا به داستانی یا شعری برای کودکان، نریزند و دیگران را هم به پیروی از خود دعوت نکنند. اگر دردی دل آزار و غمی جانکاه دارند، از وضع روزگار و اوضاع خود ناراضی‌اند، در کارهای خود شکست خورده و خیال و گله و اعتراض و شکوه و شکایت دارند، آن‌ها را در قالب نوشته‌هایی برای بزرگسالان بریزند و دست از سر ادبیات کودکان بردارند.»

صمد بهرنگی اما در درباره بلاغت اشعار کتاب «وای نگوگان» یمینی شریف هم گفته: «حتی در یک نظم محض نمونه وزن تا آخر حفظ نشده. موقع خواندن باید زور بزنی و صداها را پیش خود گویا، در کارهای خود وزن درست درآید.»

قبول کردن یمینی شریف نشانه خالی بودن میدان بود

محمود کیانوش- یکی از پیشگامان نقد ادبی که خود شاعر کودکان بوده است - هم درباره یمنی شریف در کتاب «شعر کودک در ایران» نوشته‌ است: «بعضی در بوجوهی نو کردن کتاب‌های درسی بانگ خیاط می‌خواهیم، شنیدند و پالاندوزی بودند که جوالدوز به دست گرفتند، پیش دویند.» («پالاندوز» و «خیاط» نسبت‌هایی است که کیانوش به یمینی شریف داده است.) او همچنین نوشته‌اش است: «ایمینی شریف! باور نکرد که شاعر نیست و آنچه که می‌سازد نف شعر است، نه حتی وسیله‌ای برای سرگرمی کودکان؛ چنان‌که انتظارشان را از شعر گمراه نکند.

بیکار ماندن آن‌ها در خصوص چرایی استمرار نداشتن فصول کاوش در محوطه‌های باستانی کشور، گفت: انجام کاوش در برخی مناطق نیازمند منابع پرسش و هدفگذاری است. باید بدانیم که به دنبال چه هستیم و قصد داریم چه مسائلی را مطرح کنیم. درحال حاضر به لحاظ سیاسی فعالیت‌ها در حوزه خلیج فارس معطوف شده است، از آنجا که این منطقه از اهمیت بالایی



برخوردار است در حال حاضر قصد داریم تمرکز باستان‌شناسی را در این منطقه قرار دهیم. البته برخی مواقع نیز ممکن است کاوش در منطقه‌ای انجام شود که قرار است پروژه عمرانی در آن صورت گیرد. البته در برخی از مناطق مانند شهر سوخته، جیرفت، تخت جمشید، پاسارگاد، بیشاپور و … طرح پروژه بزرگ ملی دارند. ما در کاوش در این محوطه‌ها مستند ادامه داریم.

اخبار کوتاه

بازدید مردم از شهرک غزالی آزاد شد



مدیر غزالی اعلام کرد: از روز یکشنبه - ۲۷ آذر ماه - بازدید عموم از این شهرک سینمایی و تلویزیونی هر روز ممکن می‌شود.

مهدی میرچی، مدیر شهرک غزالی تیر ماه ۱۴۰۱ به ایسنا اعلام کرده بود که به دلیل ساخت و سازهای وسیع پروژه‌های تاریخی همچون سریال «سلمان فارسی» و بازسازی یکسری از لوکیشن‌ها، بازدید عمومی در شهرک غزالی برای مدتی متوقف است.

او درباره‌ی زمان بازگشایی مجدد این شهرک سینمایی و تلویزیونی هم اعلام کرده بود که در عرض یک ماه آینده، شهرک غزالی مجدداً بازگشایی می‌شود. مدیر شهرک غزالی اکنون در گفت و گویی با ایسنا می‌گوید: پس از بازسازی یک ماهه‌ای که در شهرک تلویزیونی سینمایی داشتیم برای مدتی روزهای پنجشنبه و جمعه بازدید برای عموم آزاد بود اما از امروز یکشنبه، ۲۷ آذر ماه بازدید برای عموم به شکل هر روزی ممکن می‌شود.

شهرک سینمایی تلویزیونی غزالی سال گذشته هم به دلیل شرایط کرونا مدتی تعطیل بود. میرچی پاییز ۱۴۰۰ به ایسنا اعلام کرده بود که به خاطر شرایط کرونا تنها پروژه‌های تلویزیونی و سینمایی مشغول به کار هستند و تعدادشان هم زیاد است که برای صیانت از پروژه‌های در حال ساخت فلا بازدید گردشگری نداریم؛ زیرا اگر یکی از بازدیدکنندگان ناقل باشد به پروژه‌ها صدمه وارد می‌کند.

غول چوبی در آتش سوخت

مجسمه عظیم‌الجثه چوبی اثر یک هنرمند بین‌المللی در آتش سوخت و نابود شد و حالا پلیس استرالیا تحقیقات را آغاز کرده است.

به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، آتش یکی از شش مجسمه غول‌پیکری که به استفاده از الوار دورریز و توسط «توماس دمبو»، هنرمند دانمارکی برای نمایشگاه «قول‌های مندورا» در ایالت «استرالیای غربی» خلق شده بودند را نابود کرده است.

آتش‌سوزی در ساعت یازده و نیم شب به وقت محلی در روز جمعه گزارش شده است. پلیس «استرالیای غربی» نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که کارآگاهان شهر «مندورا» مسائل مربوط به این آتش‌سوزی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

ساخت هر یک از این غول‌های چوبی ۷۵۰ ساعت زمان برده است و «دمبو» تک تک این مجسمه‌ها را در محلی که به نمایش گذاشته شده‌اند با همکاری چند داوطلب خلق کرده است.

«دمبو» این مجسمه چوبی را به عنوان نمایشگاه «غول‌های مندورا» در نقاط مختلفی از منطقه «بیل» شهر «مندورا» قرار داده است. محل دقیق این ۶ مجسمه به طور عمومی اعلام نشده است تا برای بازدیدکنندگان غافلگیرکننده باشد.«دمبو» پیش از این نیز غول‌های چوبی را در مناظر «ایالات متحده آمریکا»، «لژیک»، «چین»، «دانمارک»، «کره جنوبی» و «پورتوریکو» خلق کرده است. «غول‌های مندورا» نخستین نمایشگاه این هنرمند در استرالیا محسوب می‌شود. این هنرمند دربارهٔ علاقه‌اش به ساخت این نوع مجسمه‌ها بیان کرد: «من با داستان‌های جن و پری و افسانه بزرگ شدم و غول‌ها یکی از مهم‌ترین بخش‌های افسانه‌های دانمارک محسوب می‌شوند … غول‌ها برای من نمادی از صدای طبیعت هستند. گاهی اوقات آرام و ساکت و گاهی اوقات خشن و خشمگین هستند و طبیعت نیز دقیقاً همین ویژگی‌ها را دارد.»

فروش ۱۸۰ میلیون دلاری آواتار در روز

«آواتار: راه آب» که دنباله پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینماست در سه روز نخست اکران در گیشه جهانی به فروش ۱۸۰ میلیون دلاری را در رقم زده است که ۱۲۷ میلیون دلار آن از محل گیشه بین‌المللی و ۵۳ میلیون دلار آن نیز از آمریکای شمالی کسب شده است و پیش‌بینی می‌شود فروش این فیلم با ناهای روز جمعه به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برسد. «جیمز کامرون» رکورد فروش روز نخست اکران آثارش در آمریکای شمالی را جشن گرفت و توانست در روز افتتاحیه این فیلم، برانگیختن قاهقایی در یک دقیقه را می‌شاید وب، بس. در شعر کودک را.

پاسخ یمینی شریف به نقدها

عباس یمینی شریف در شعری پاسخ منتقدان خود را داده است: گفتند بعضی‌ها چرا پند و نصیحت/ گاه اورم در شعر کودک بر زبانم /تسویق‌شان بچه‌چر کردم، خوب/ آید چرا بدگویی از بد بر زبانم /آن‌ها بلی، باید چنین ایراد گیرند/اندیشه‌شان از گفته‌هاشان خوب دانم /تا بهر این خودخواه‌ها کودک پنهان است/با نام کودک، سود می‌جویند، دانم /هر عقده‌ای بسر دل ز ناکامی گرفتند/ با کودکان بازی کنند این‌ها، گمانم /هر مطلبی را جرات گفتن ندارند/ گویند با کودک بگویم، در امانم /گویند خام تک‌خین و قتل و غارت/از زردی و ظلم و جنایت تُرُشمان؟ از زشتی و ناپاکی و بد باز گویم؟! از مستی و دیوانگی گویم؟ به آن‌م /چون کودکان ای سنگدل‌ها! بی‌گناهند/ تا کی ز دیده از بدی‌تان خون چکانم؟ آخر شما ای کینه‌ورزان در کجایید/ تا من به آن‌جا رو کنم خود را /باز باور نبردم و دیگر نگویم/ سر زبر بال بهتر که لب بر بندم /تا شعر گمراه نکویم/ سز زبر بال خود بود بر آشیانم /گر کودکان را اندکی بهتر شناسید/ بهتر شوید ای دسته‌ی نامهربانم

فیلم علی مصفا بر گزیده جشنواره اسکاتلندی

فیلم «نبودن» ساخته علی مصفا برنده جایزه بهترین تدوین برای هایدنه صفی یاری از جشنواره فیلم «سنت اندروز» اسکاتلند شد. به گزارش ایسنا، چهارمین جشنواره فیلم «سنت اندروز» از ۳۰ نوامبر تا ۱۱

دسامبر (۹ تا ۲۰ آذر) در اسکاتلند برگزار شد و فیلم سینمایی «نبودن» ساخته علی مصفا و محصول ایران، جمهوری چک و اسلواکی در سیزدهمین حضور بین‌المللی خود در این رویداد سینمایی موفق به کسب جایزه بهترین تدوین برای هایدنه صفی یاری شد که به تازگی جایزه‌ی آن اعلام شده است. داستان «نبودن» در ایران و شهر پراگ می‌گذرد و قهرمان این فیلم که نقشش درباره گذشته پدرش «روزبه» که قبلاً کمونیست بوده به دست آورد. او طی تحقیقات گنجشی می‌شود که پدرش شخصی را از پنجره آپارتمان محل زندگی اش به بیرون پرتاب کرده است. او کشف می‌کند که این شخص، برادر ناتنی‌اش به نام ولادیمیر بوده است و از همین لحظه تصویر قهرمانی پدرش که او در ذهن خود ساخته بوده، فرو می‌ریزد. فیلم مستند «شق آندب» ساخته اسکاتلندی و مهران نعمت‌اللهی نیز دیگر فیلم ایرانی حاضر در این جشنواره بود.